

به نام ایزدیکتا



شماره انتشار ۲۳۶

سفرنامه‌ی

سر فردریک جان گلداسمید

(از بندر عباس تا مشهد از راه سیستان)

امید شریفی

سرشناسه : گلداسمید، فردریک جان، ۱۸۱۸ - ۱۹۰۸ م.

Goldsmid, Frederic John

عنوان و نام پدیدآور : سفرنامه‌ی سر فردریک جان گلداسمید : از بندرعباس تا مشهد از راه سیستان / امید شریفی.

مشخصات نشر : تهران : انتشارات ایرانشناسی، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری : ۱۴۰ ص.؛ مصور، نقشه: ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۵۱-۰۴-۷

وضعیت فهرست نویسی : فیا

یادداشت : کتابخانه: ص. ۱۳۷ - ۱۴۰.

یادداشت : نمایه.

موضوع : گلداسمید، فردریک جان، ۱۸۱۸ - ۱۹۰۸ م. -- سفرها -- ایران

موضوع : Goldsmid, Frederic John -- Travel -- Iran

موضوع : سفرنامه‌های ایرانی -- قرن ۱۲-۱۴ ق.

موضوع : Travelers' writings, Iranian -- 18-20th century

موضوع : ایران -- تاریخ -- قاجاریان، ۱۱۹۲ - ۱۳۴۴ ق.

موضوع : Iran -- History -- Qajars, 1925 - 1779

شناسه افزوده : شریفی، امید، ۱۳۵۴ - مترجم

رده بندی کنگره : ۱۳۹۵ س۷/ک۸۱۶۶۵ DSR

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۴۵۰۴۲

شماره کتابشناسی ملی : ۴۳۶۷۷۴۵

شماره انتشار ۲۳۶

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۵۱-۰۴-۷

ISBN 978-600-8351-04-7



سفرنامه‌ی سر فردریک جان گلداسمید (از بندرعباس تا مشهد از راه سیستان)

ناشر: انتشارات ایرانشناسی

ترجمه و اضافات: امید شریفی

ویراستار: بنفشه دادفر

حروف‌نگاری: واحد حروف‌نگاری انتشارات ایرانشناسی

صفحه‌آرایی و طرح جلد: منیژه احمدی طهرانی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۵

لیتوگرافی: صنوبر

چاپ: صنوبر

صحافی: سیمی‌ساز

تیراژ: ۵۰۰ جلد

قیمت: ۱۲۰,۰۰۰

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر اعم از چاپ، تکثیر، نسخه‌برداری، ترجمه و... برای انتشارات ایرانشناسی محفوظ و قابل پیگرد قانونی است.

تهران-خیابان طالقانی، خیابان بهار شمالی، کوچه طب، پلاک ۶، واحد ۱
کدپستی ۱۵۶۳۶۵۵۷۱۱ تلفن: ۷۷۵۳۱۸۲۵ - ۷۷۵۳۹۸۵۹ فکس: ۷۷۶۳۸۶۸۷

info@iran-shenasi.com

www.iran-shenasi.com

به خانواده‌ام

بخش اول (تحلیل سفرنامه)

۱۳	مقدمه.....
۱۵	ناصرالدین شاه، عهدنامه‌ی پاریس و مرزهای شرقی.....
۲۱	سرآغاز دو شقه شدن سیستان.....
۲۳	نقاط ضعف سفرنامه.....
۲۵	هم‌سفر با گلداسمید و همراهانش از بندرعباس تا سیستان.....
۳۵	دردسره‌های برافراشتن بیرق.....
۳۷	برخوردهای چالش برانگیز در نصرت‌آباد و نواحی اطراف.....
۳۹	امیر علم‌خان حشمت‌الملک، فردی تأثیرگذار در سیاست‌های مرزی سیستان.....
۴۳	دردسر هدایا و مرتبه‌ی نظامی.....
۴۷	ورود نماینده‌ی افغانستان و همراهان به سیستان.....
۴۹	حاکمان لاش و جوین و چخانسور عاملی تأثیرگذار در جدایی از سیستان.....
۵۱	رفتار متغیر میرزا معصوم‌خان نماینده‌ی ایران در حکمیت مرزی.....
۵۷	اختلاف هیئت‌های حکمیت ایران، انگلیس و افغانستان و ترک سیستان.....
۶۲	آثار قحطی خانمان سوز سال قبل در خراسان.....
۷۰	در خدمت شاهزاده حسام‌الدوله در مشهد.....
۷۲	حرکت دو هیئت به طرف تهران و حکمیت بدون میرزا معصوم‌خان.....
۷۴	نتایج حکمیت.....
۷۶	حکمیت گلداسمید از نگاه سیاحان انگلیس.....

بخش دوم (سفرنامه‌ی گلداسمید)

۷۹	سفری از بندرعباس تا مشهد از راه سیستان با شرحی از ولایت اخیر.....
۸۰	بندرعباس تا کهنوج.....
۸۲	سال نو میلادی و اقامت در کهنوج.....
۸۵	در دوساری جیرفت.....
۸۷	ملاقات با مهمان‌دار در دولت‌آباد جیرفت.....
۸۷	عبور از میان کوهستان پر از برف جبالبارز.....
۸۹	قدرت حاکمان محلی رودبار و جیرفت.....
۹۰	توقف در بم.....
۹۱	مزارع سرسبز در فاصله‌ی بم تا فهرج.....

در میان کویر و بیابان.....	۹۲
هوای بارانی و سرمای شدید.....	۹۵
رسیدن به سه کوهه مرکز سیستان.....	۹۷
سیستان.....	۹۷
سیستان اصلی.....	۹۸
ویژگی‌های سیستان اصلی.....	۹۸
هامون.....	۱۰۰
بند سیستان.....	۱۰۲
ویژگی‌های آب و هوایی سیستان اصلی.....	۱۰۳
سیستان بیرونی.....	۱۰۴
از بنجار تا لاش و جوین.....	۱۰۵
پذیرایی احمدخان و حرکت به طرف ایران.....	۱۰۷
توصیف بیرجند و پذیرایی سرد خاندان علم.....	۱۰۹
در مسیری اکتشافی، به‌سوی قائن از میان مناطق قحطی‌زده.....	۱۱۱
توصیف قائن از جانب اولین کاشفان غربی.....	۱۱۳
سایه‌ی ترس از ترکمن‌ها در مسیر قائن - بجستان.....	۱۱۴
عبور از مسیری با چشم‌اندازی نیکو.....	۱۱۷
ملاقات با مهمان‌داران در بجستان بعد از ترک بیرجند.....	۱۱۸
روستای یونسی و افسانه‌ی آن.....	۱۱۹
حرکت در میان دشت و بیابان ملال‌آور.....	۱۲۰
استقبالی عالی به فرمان شاهزاده در تربت.....	۱۲۱
حرکت در گذرگاه‌های کوهستانی بارانی.....	۱۲۳
در مشهد.....	۱۲۴

بخش چهارم (ضمیمه‌ها)

نقشه‌ی سفر گلداسیمد.....	۱۲۸
نمایه اشخاص.....	۱۲۹
نمایه اماکن.....	۱۳۲
منابع.....	۱۳۷

ورود پی‌درپی سفیران اروپایی به دربار تهران خود حاکی است که دیگر ایران فقط یک دولت آسیایی نیست، بلکه مهره‌ی شطرنج در سیاست جهانی است...

جورج ناتانیل کرزن*

* سیاستمدار انگلیس در دوران ناصرالدین‌شاه

پیش‌گفتار

سفرنامه‌ها به‌ویژه سفرنامه‌های افراد غیرمسلمان برای شناخت جغرافیای تاریخی هر سرزمین دارای اطلاعات ناب و منحصر به فردی می‌باشند و می‌توانند به‌عنوان منبعی ارزشمند در زمینه‌ی تاریخ ایران به‌ویژه دوران قاجاریه به دلیل فراوانی آن‌ها در این برهه‌ی زمانی نقشی به‌سزا ایفا نمایند و اطلاعات گرانبهایی شامل توصیف شهرها، مناطق، روستاها، زندگی روزمره‌ی افراد، رسوم و ارزش‌ها، باورهای از جمله خرافات گروه‌های مختلف اجتماعی، مذهبی، قبیله‌ای و غیره را از دیدگاه افراد مختلف ارائه نمایند. این سفرنامه‌ها در واقع تاریخ مردم عادی و کوچه بازار هستند که به‌واسطه‌ی آن‌ها شناخت تاریخ هر دوره کامل‌تر می‌گردد، نکته‌ی عجیب و قابل تأمل آن است که این منابع بسیار مهم در میان اغلب مورخان ناشناخته باقی‌مانده و توجه چندانی به آن‌ها نمی‌گردد که نتیجه و حاصلی جز بدفهمی این دوران را به همراه ندارد، این مورخان، تاریخ را به زندگی چند پادشاه خلاصه می‌کنند و تاریخ‌سازان واقعی که عامه‌ی مردم و وضعیت اقتصادی و اجتماعی آن‌ها را دربرمی‌گیرد، فراموش می‌گردد.

در این برهه‌ی زمانی به واسطه‌ی توجه روس‌ها به هندوستان، سرحدات ایران ارزش پیدا نمود و دولت بریتانیا را نگران کرد، این دولت برای جلوگیری از فعالیت مأموران روسیه، عده‌ای از صاحب‌منصبان خود را به روش‌های گوناگون راهی مناطق مختلف ایران نمود. در میان این افراد، معدودی مانند گلداسمید^۱، سایکس،... نیز بودند که ضمن پرداختن به اصل مأموریت خویش که در این‌جا تقسیم مرز بین ایران و افغانستان است، به همه‌ی جنبه‌های زندگی افراد ایرانی واقع در خط سیر خود می‌پرداختند. این افراد در زمینه‌ی ایران مطالعه و تحقیقات فراوان انجام داده‌اند و سال‌های زیادی از عمر خویش را به دلایل مختلف در این سرزمین سپری نموده‌اند. بنابراین نوشته‌هایشان برخلاف جهان‌گردی که نگاهی گذرا به مناطق خط سیرش دارا می‌باشد، از دقت و اعتبار بیش‌تری برخوردار است و منبعی مهم و مؤثق برای شناخت دقیق تحولات تاریخی جغرافیایی هر شهر و روستا به‌شمار می‌رود و باعث افزایش اطلاعات ما درباره‌ی تاریخ گذشته می‌گردد و در مواردی نیز نوشته‌های تواریخ سفارشی را به چالش کشیده و به بازسازی آن‌ها می‌پردازد و طرحی نو در تاریخ‌نگاری می‌اندازد.

سفرنامه‌ی گلداسمید گزارش‌گونه بوده و تنها برای سرگرمی نوشته نشده است، نویسنده‌ی سفرنامه شخصی است که نخستین مدیر خطوط تلگرافی در ایران و بازیگر اصلی طرح تقسیمات مرزی شرق ایران، از جمله بلوچستان و سیستان بین سال‌های ۱۸۷۰ تا ۱۸۷۲ میلادی است. کثرت و تنوع آثار ایشان و اشاره به جنبه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، تاریخی، جغرافیایی و دیگر حوزه‌ها، نشان از وسعت و عمق اطلاعات و همت و پشتکار ایشان دارد. ایشان همان‌طور که در این سفر مشاهده می‌گردد، از اغلب تحقیقات و مطالعات محققان و مورخان هم‌عصر و پیش از خود بهره گرفته است. گلداسمید مأموریت داشت که بدون ملاحظه‌ی دعاوی طرفین، عاقلانه و با حسن تدبیر طبق سیاست‌های انگلیس، راجع به اختلافات بین دو کشور، حکمیت کند. به‌قول «کرزن» کاری که در ظاهر در نهایت سادگی بود، بسیار سخت و دشوار گردید و سرآخر هم نتوانست هر دو طرف دعوی را راضی کند. این حکمیت

۱. در بسیاری از کتاب‌ها و منابع گلداسمید به‌صورت گلداسمیت نوشته شده است. (مصحح)

فقط مرزها را مشخص نمود و از همان آغاز در حق آبه‌ای که به هر طرف می‌رسد، اختلاف وجود داشت و هنوز با گذشت نزدیک به صد و پنجاه سال، کماکان موضوعی حل نشده باقی‌مانده است. هر چند که در زمان کنونی از هامون فقط اسمی باقی‌مانده است و این محل به کانون ریزگردها تبدیل شده است و زابل را به آلوده‌ترین شهر جهان از نظر ذرات معلق ۲/۵ میکرومتری تبدیل نموده است و مهاجرت، بسیاری از روستاهای اطراف را خالی از سکنه کرده است.

در این سفرنامه ماجرای دو پاره شدن سیستان توضیح داده می‌شود، سرزمینی گسترده که قسمت‌هایی از آن طی این حکمیت به افغانستان واگذار شد. گلداسمید سیستان را به دو قسمت، سیستان اصلی و فرعی (بیرونی) تقسیم کرد. سیستان اصلی را به ایران و سیستان بیرونی را به افغانستان واگذار نمود، امری که هر دو نفر روزنامه‌نویس دولت ایران در این سفر، میرزا موسی‌خان منشی وزارت امور خارجه و مهندس ذوالفقارخان کرمانی مهندس نقشه‌کش نیز بر آن صحه گذاشته‌اند. گزارش‌های این دو نشان می‌دهد، گلداسمید نقشی فراتر از یک داور و حکم داشته است و قصد ایشان خارج کردن قسمتی از سرزمین‌هایی بوده که از دوران کهن به ایران تعلق داشته است. اما نکته‌ی قابل تأمل آن است که برخلاف دولتمردان انگلیس که غیر از سال‌های بعد از حکمیت، در همان دوران نیز چندین جلد کتاب درباره‌ی رأی حکمیت نوشته و در آن‌ها نیز به دلایل و اسناد ایران اشاره نموده‌اند، در ایران کمتر سندی در این زمینه وجود دارد. شاید به درستی بتوان این جمله‌ی تکراری و معروف را گفت، از ماست که بر ماست. در همان دوران، کم‌تر از چهار سال بعد از این سفر گلداسمید، «مک گرگر» دیگر مأمور انگلیسی در حالی که بیابان‌های یزد را می‌کاوید در ضرورت تحقیق به زیبایی می‌نویسد: «... از نظر مسئولان ایرانی، انگیزه‌های مسافرت شخصی مانند من هیچ اهمیتی ندارد. از هر کوهی که مایلی بالا برو، یا پایین بیا، آن‌ها با تو کاری ندارند. تنها اتفاقی که ممکن است بیفتد این است که تو را در گروه انگلیسی‌های دیوانه قرار دهند...»^۱.

در این سفر گلداسمید و همراهان او برای اولین بار جایگاه قائن را که منابع و نقشه‌های پیشین، به عنوان مکانی در جنوب بیرجند مشخص نموده بودند، اصلاح کردند و نشان دادند که این شهر حدود ۱۰۰ کیلومتری شمال بیرجند است.

از جمله نکات مهمی که ذکر آن ضروری می‌باشد، آن است که این سفرنامه بیش از یک ترجمه محسوب می‌شود، از آن‌جا که در قسمت‌هایی از این سفر، تیم حکمیت ایرانی، تیم انگلیسی به سرپرستی گلداسمید را همراهی می‌نمود و از تیم ایران ذوالفقارخان کرمانی و میرزا موسی‌خان مشیرالدوله نیز به ذکر اتفاقات بین منازل و توصیف جغرافیایی منازل پرداخته‌اند. بنابراین سعی شده است برای تطابق با نوشته‌ی گلداسمید، برخی از نوشته‌های این دو در مقدمه و زیرنویس متن اصلی آورده شود تا خواننده راحت‌تر بتواند قضاوت کند. همچنین مورخ برجسته محمود محمود، مقدمه‌ی کتاب **ایران شرقی** اوئن اسمیت و دیگران را که توسط گلداسمید نوشته شده است، در جلد سوم **تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی**، ترجمه نموده‌اند که بدون تردید مکمل این سفرنامه است. گلداسمید در این مقدمه، برخلاف سفرنامه از مشکلات موجود و رأی حکمیت سخن گفته است.

نگارنده ادعایی ندارد که آن‌چه نوشته و ترجمه کرده کامل و بی‌نقص می‌باشد و با پذیرفتن تمام کاستی‌ها امیدوار است که با اظهارنظرهای استادان و صاحب‌نظران، این موارد برطرف گردد. بدیهی است که این اثر بسیاری از زوایای یک دوره از تاریخ این سرزمین را آشکار می‌کند و آرزوی نویسنده‌ی این سطور آن است که با انتشار این اثر، محققانی پیدا شوند و در راه تکمیل زوایای پنهان این بخش از سرزمین گام نهند. جا دارد این نکته را متذکر شوم که پژوهش در این زمینه و ترجمه این اثر را مدیون استادان بزرگواری مانند محمود محمود، پیروز مجتهدزاده، حسن احمدی، مترجمان کتاب‌های **انگلیسی‌ها در میان ایرانیان**، **ایران و قضیه‌ی ایران**، **تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران** و دیگر عزیزانی می‌باشم که کم هم نیستند، اهمیت کار این عزیزان در دورانی که پیدا کردن نسخه‌ی اصلی از یک کتاب چه خون دل خوردن‌ها داشت و مثل امروز نبود که پیشرفت علم

و تکنولوژی دسترسی به آثار را بسیار ساده نموده است، دو چندان می‌نماید. جا دارد از جناب آقای دکتر مرتضی ستائی مختاری که در ترجمه‌ی متن انگلیسی مرا یاری دادند، همچنین از جناب آقای امیرحسین بختیاری که مقدمات چاپ این اثر را از طریق انتشارات ایرانشناسی فراهم نموده‌اند، صمیمانه قدردانی و سپاسگزاری نمایم. در هر صورت امیدوارم حاصل کار هم سودمند و هم مفرح باشد.

همی ترسم از ریشخند ریاحین

که خار مگیلان به بستان فرستم

امید شریفی

تیر ۱۳۹۵